

هل ينسجم القانون الوضعي مع فطرة الإنسان؟

أيا قوانين وضعى با فطرت انسان سازگار است؟

يروق لبعض النافرين من الدين، ويبدو لي أن السبب أحياناً يكمن في رجاله، أن يصل بهم الحال إلى تقديس القانون الوضعي وادعاء صلاحيته المطلقة لقيادة المجتمع الانساني في شتى جوانبه، بخلاف القانون الديني.

حال و روز برخی افراد گریزان از دین حیرت آور است. من این گونه به نظرم رسیده که گاهی اوقات این وضعیت از رجال دینی نشات می‌گیرد؛ یعنی وضعیت آنها به جایی می‌رسد که قوانین وضعی را مقدس می‌شمارند و مدعی می‌شوند که این قوانین، صلاحیت کامل برای راهبری جوامع انسانی در حوزه‌های مختلف را برخوردارند؛ بر خلاف قوانین دینی!

لمثل هؤلاء كان (عليه السلام) يقول:

احمد الحسن (عليه السلام) در مورد چنین افرادی می‌فرماید:

[ضمن القانون الوضعي: هل حقوق المجتمع محفوظة، أم لا؟ وكيف وزن القانون الوضعي بينها وبين حقوق الفرد؟ وهل حقوق الله محفوظة؟ وهل حقوق البيئة محفوظة؟ وهل حقوق الحيوان محفوظة؟ وهل حقوق النبات محفوظة؟ وغيرها.]

«آیا در قوانین وضعی، حقوق جامعه محفوظ است یا خیر؟ چگونه بین قوانین وضعی و حقوق فرد توازن ایجاد شده است؟ آیا (در این بین) حقوق خدا لحاظ شده است؟ آیا حقوق محیط زیست لحاظ شده است؟ حقوق حیوانات و گیاهان چه طور؟ و نظایر آن ...»

ثم كيف تمت الموازنة بين هذه الحقوق في القانون الوضعي، وهل يقولون إنها موازنة مثالية وعادلة، وكيف حكموا، وما هو ميزانهم للحكم؟

وانگهی در قوانین وضعی، نحوه‌ی ایجاد تعادل بین حقوق به چه صورت است؟ و آیا آنها این نوع

تعالد را ایده‌آل و عادلانه می‌دانند؟ چگونه حکم می‌رانند و مبنای آنها در حکم کردن چیست؟

الآن القانون الوضعي يرتكب أكبر جريمة في التاريخ بحق كل الإنسانية، وهي النتيجة التي وصلت لها الأرض من الاحتباس الحراري الذي يهدد بإبادة الجنس البشري ككل !]

در حال حاضر قوانین وضعی بزرگ‌ترین جنایت تاریخ در حق کل افراد بشر را مرتکب شده و این همان پیامدی است که زمین به آن رسیده ؛ یعنی اثر گلخانه‌ای که تهدیدی برای نابودی نوع بشر محسوب می‌شود!«.

* * *